روزنامه صبح ایران
دنیای اقتصاد
گروه دیپلماسی
۵۲۱۸۹۳۱۴
khabar@den.ir

مطبوعات جهان

## بازگشت از اشتباه برگزیت



منصور بیطرف
سمت نویسنده

پس از گذشت بیش از ۱۰ سال از برگزاری همه پرسی برگزیت و ۵ سال از خروج کامل بریتانیا از اتحادیه اروپا، اکنون دولت بریتانیا گام‌های اولیه خود را برای ورود دوباره به اتحادیه اروپا برداشت. اتفاقی که روز جمعه رخ داد، به گفته نخست‌وزیر بریتانیا، به نفع بریتانیا است.



روزنامه **فایننشال تایمز** در گزارش خود به موضوع ورود دوباره بریتانیا به اتحادیه اروپا پرداخت. این روزنامه با تیتر: «اصطکاک‌ها پابرجاست؛ توافق در بروکسل گره برگزیت را باز می‌کند» می‌نویسد اندی برنهام روز جمعه با موافقت با یک توافق تاریخی با اتحادیه اروپا، آغاز به باز کردن گره برگزیت کرد؛ اما نشست بروکسل تحت‌الشعاع اختلاف بر سر شهریه‌های دانشگاه‌ها و پرسش‌ها درباره مسیر آینده این شراکت قرار گرفت. نخست‌وزیر در یک نشست خبری مشترک با اورسولا فون در لاین، رئیس کمیسیون اروپا، گفت این توافق که موانع تجاری در حوزه مواد غذایی و نوشیدنی را برداشت و یک طرح جدید تجربه جوانان ایجاد کرد، «هم برای بریتانیا خوب است و هم برای اروپا» و افزود تحلیل جدید خزانه‌داری نشان می‌دهد این توافق می‌تواند تولید ناخالص داخلی بریتانیا را نیم درصد افزایش دهد. اما برنهام که احتمال پیوستن دوباره بریتانیا به اتحادیه اروپا را مطرح کرده است، پذیرفت که توافق بروکسل در بلندمدت ناکافی است. او گفت: «گام‌های تدریجی فقط تا حدی ما را پیش می‌برند.»



روزنامه **ایندیپندنت** هم با تیتر «این توافق اتحادیه اروپا به نفع شماست؛ برنهام به جوانان بریتانیا می‌گوید» ادامه می‌دهد که «نخست‌وزیر و بروکسل از توافقی «برد-برد» استقبال می‌کنند؛ توافقی که ارزش آن برای اقتصاد بریتانیا ۱۷ میلیارد پوند است و به ۱۰۰ هزار نفر از افراد ۱۸ تا ۳۱ ساله امکان می‌دهد تا سال ۲۰۳۰ در اروپا زندگی و کار کنند و همچنین موانع و تشریفات زائد را در صادرات مواد غذایی حذف می‌کند.»



روزنامه **فیگارو** فرانسه هم به موضوع برگزیت پرداخته و تیتر طعنه‌آمیزی هم به تصمیم قبلی بریتانیا زده است. «برگزیت: ده سال پس از آن، لندن بازگشتی به سوی اتحادیه اروپا را آغاز می‌کند» تیتری است که این روزنامه زده و می‌نویسد: «نخستین گام به عقب روز جمعه با مجموعه‌ای از توافق‌ها میان بریتانیا و اروپا برداشته شد. اقدامی که اکثریت بریتانیایی‌ها از آن حمایت می‌کنند، اما بحث‌ها را دوباره شعله‌ور کرده است.» به نوشته فیگارو «بریتانیا و اتحادیه اروپا روز جمعه چندتوافق بخشی امضا کردند که نزدیکی دوباره آنها را، ده سال پس از همه‌پرسی برگزیت، رقم می‌زند. این توافق‌ها به‌ویژه با هدف تسهیل تبادلات دانشجویی و همچنین برخی صادرات بریتانیا به اتحادیه اروپا با شرط رعایت قوانین مشترک انجام می‌شود، با سود مورد انتظار در لندن». فیگارو می‌نویسد که تصمیم ۱۰ سال پیش لندن امروز از سوی اکثریت مردم یک اشتباه تلقی می‌شود.



اما از سوی دیگر ایالات متحده همچنان با بحران هوش مصنوعی و عرضه سهام آنتروپیک که روز پنج‌شنبه مدیران آن را شاد ساخت مواجه است. اتفاقی که روز جمعه در بازار سهام نیویورک رخ داد تمامی تحلیلگران را شگفت‌زده کرد. روزنامه **وال‌استریت ژورنال** با این تیتر به سراغ بازار سهام نیویورک رفت: سقوط آنتروپیک به نابودی سهام هوش مصنوعی اوج داد» به نوشته این روزنامه «فروش سنگین در نزدک این هفته ۴ تریلیون دلار از ارزش بازار را از بین برد». این روزنامه در ادامه می‌نویسد که «یک موج فروش بی‌رحمانه در سهام هوش مصنوعی روز جمعه شدت گرفت و تمام سود سالانه شاخص مرکب نزدک را از بین برد، به طوری که این شاخص فناوری‌محور تنها در این هفته بیش از ۴ تریلیون دلار از ارزش بازار خود را از دست داد.» به نوشته وال‌استریت ژورنال فروش تب‌آلود روز جمعه تقریبا به تمام بازیگران بزرگ هوش مصنوعی آسیب زد، هر یک از اعضای «هفت شگفت‌انگیز» را پایین کشید و زیان‌های دورقمی در شرکت‌های نئوکلاود و سازندگان تراشه رقم زد.



اما برای آمریکا این هنوز تمامی ماجرا نیست. نشست شنژن و عملکرد ترامپ در این نشست همچنان مورد انتقاد سیاستمداران آمریکایی است. یکی از این سیاستمداران هیلاری کلینتون است. او در یادداشتی که در روزنامه **نیویورک تایمز** نوشته این موضوع را مطرح کرده که «ترامپ به پوتین چه باید می‌گفت» کلینتون در این یادداشت می‌نویسد که یک رئیس جمهور قدرتمند و راهبردی آمریکا باید مطالبه می‌کرد که ارتش روسیه بمباران غیرنظامیان اوکراینی و نابودی زیرساخت‌های انرژی و آب آنها را متوقف کند. او باید به شی هشدار می‌داد که چین بابت حمایت از ماشین جنگی روسیه هزینه خواهد پرداخت و باید برای پوتین روشن می‌کرد که تلاش‌هایش برای به زانو درآوردن مردم اوکراین از طریق سرما در این زمستان شکست خواهد خورد — زیرا اوکراینی‌ها سرسخت‌تر از آن هستند که پوتین تصور می‌کند و به این دلیل که ایالات متحده و متحدان ما در ناتو حمایت خود از آنها را دوچندان خواهند کرد. هیچ کس انتظار نداشت ترامپ چنین کاری بکند. گزارش‌های اولیه نشان می‌دهد که او چنین نکرد.» هیلاری کلینتون در بخشی از این یادداشت می‌نویسد که روز دوشنبه، او بار دیگر برای روسیه بهانه‌تراشی کرد و مدعی شد که پوتین «می‌توانست در قبال اوکراین بسیار سخت‌گیرتر باشد». دولت ترامپ به جای مقابله با راهبرد روسیه برای ایجاد یک بحران انسانی در اوکراین در این زمستان، به نظر می‌رسد به آن کمک و همدستی می‌کند. طی ماه‌های اخیر، ایالات متحده در واقع حمایت خود از اوکراین را کاهش داده است. گزارش شده است که پنتاگون تحویل موشک‌های حیاتی پدافند هوایی را کند کرده است. به گفته ولودیمیر زلنسکی، رئیس‌جمهور اوکراین، اوکراین با اختلال‌های مکرری در دسترسی خود به استارشیلد (نسخه نظامی استارلینکِ اسپیس ایکس) مواجه شده است.

چرا تماس‌ها، ابتکارات و رایزنی‌های متعدد و فشرده نتوانسته بن‌بست موجود را بشکند؟

# میانجی گری کم‌اثر، دیپلماسی بدون تضمین

دنیای اقتصاد

درحالی که کانال‌های دیپلماتیک میان تهران و واشنگتن همچنان فعال‌اند و میانجی‌ها از ادامه تلاش‌ها برای نزدیک کردن دو طرف خبر می‌دهند، چشم‌انداز مذاکرات همچنان با ابهام همراه است. تماس‌های فشرده، ابتکارهای تازه و رایزنی‌های منطقه‌ای هنوز نتوانسته‌اند بن‌بست موجود را بشکنند یا تضمینی برای جلوگیری از بازگشت درگیری‌های نظامی فراهم کنند؛ وضعیتی که دیپلماسی را بیش از آنکه به مسیر قطعی صلح تبدیل کند، به ابزاری برای مدیریت بحران در سایه تهدید جنگ بدل کرده است.

در تازه‌ترین تحول غریب‌آبادی از سفر یک هیات قطری به تهران خبر داد. عراقچی هم در نشست روز ملی عمان با اشاره به سفر هیات قطری به تهران گفت واسطه‌های موجود بین ایران و آمریکا مرتب در حال رفت و آمد هستند و در دیدارها ایده‌ها و پیشنهادات را منتقل می‌کنند. موضع ما روشن است تا وقتی خواسته‌های ایران اجرانشود بحث تنگه هرمز و بازگشایی آن موضوعیت ندارد. العربیه نیز به نقل از یک منبع بلندپایه گزارش داده است که مذاکرات، با وجود تماس‌های فشرده، همچنان در بن‌بست قرار دارد و میانجی‌ها اطمینانی ندارند که تنش‌های نظامی از سر گرفته نشود. این ارزیابی نشان می‌دهد مساله صرفا ادامه یا توقف گفت‌وگوها نیست، بلکه شکاف میان تداوم تماس‌های سیاسی و ناتوانی در ایجاد اطمینان نسبت به آینده است؛ شکافی که همچنان امکان توافق را شکننده نگه می‌دارد. در همین حال، وزارت خارجه پاکستان از ادامه میانجی گری میان واشنگتن و تهران خبر داده است. استمرار نقش اسلام‌آباد نشان می‌دهد مسیر دیپلماتیک هنوز بسته نشده و تلاش برای حفظ ارتباط میان طرف‌ها ادامه دارد. با این حال، فعال بودن میانجی گری به‌تنهایی به معنای پیشرفت در مذاکرات نیست؛ به‌ویژه زمانی که اختلافات اصلی پابرجا مانده و احتمال بازگشت به تقابل نظامی همچنان بخشی از محاسبات دو طرف است.



اظهارات عباس عراقچی درباره امکان کاهش طرح دو روزه به دو ساعت، در صورت وجود اراده برای توافق از سوی آمریکا، نیز بر همین نقطه دست می‌گذارد. این سخن، بیش از آنکه مساله زمان را برجسته کند، بر وجود فاصله میان امکان رسیدن به تفاهم و تصمیم سیاسی برای تحقق آن تاکید دارد. موضوعی که نشان می‌دهد ترامپ اساسا هر روند دیپلماتیک و توافقی را بی‌معنا و بدون تضمین کرده است. از این منظر، سرعت دستیابی به توافق ممکن است مساله اصلی نباشد؛ آنچه تعیین کننده است، میزان آمادگی طرف‌ها برای عبور از مواضع فعلی و پذیرش راه‌حل است.

تحرکات دیپلماتیک در منطقه نیز ادامه دارد. دیدار برد کوپر با مقام قطری در دوحه، در کنار تلاش‌های پاکستان برای میانجی گری، نشان‌دهنده فعال بودن مسیرهای رایزنی و نقش‌آفرینی بازیگران منطقه‌ای در شرایط بحران است. قطر نیز در این فضای پرتنش می‌تواند بخشی از شبکه تماس‌ها و تلاش‌ها برای جلوگیری از تشدید درگیری باشد؛ هرچند تا زمانی که خروجی ملموسی از این رایزنی‌ها حاصل نشود، نمی‌توان آن را نشانه‌ای از نزدیک شدن قطعی به توافق دانست.

در واشنگتن نیز اظهارات ترامپ و ونس بخش مهمی از فضای سیاسی و محاسبات مربوط به مذاکرات را شکل می‌دهد. مواضع مقام‌های آمریکایی، در کنار تحولات مربوط به محاصره و بحث بر سر شکستن آن، نشان می‌دهد دیپلماسی از فشارهای سیاسی و میدانی جدا نیست. محاصره همچنان یکی از گره‌های مهم بحران است؛ موضوعی که می‌تواند بر فضای مذاکرات اثر بگذارد و همزمان به عاملی در تشدید تنش یا تغییر محاسبات طرف‌ها تبدیل شود. این وضعیت همچنین نشان می‌دهد که میانجی‌ها با ماموریتی فراتر از رساندن طرف‌ها به میز مذاکره روبه‌رو هستند؛ آنها باید بتوانند حداقلی از اطمینان را درباره پایبندی به توافق احتمالی ایجاد کنند. وقتی حتی در جریان تماس‌های فشرده، احتمال از سرگیری عملیات نظامی همچنان مطرح است، هر توافقی بدون سازوکارهای اجرایی و تضمین‌های قابل اتکا می‌تواند به وقفه‌ای موقت در بحران تبدیل شود، نه نقطه پایان آن. همین مساله وزن تصمیم‌های سیاسی را افزایش می‌دهد و باعث می‌شود مسیر مذاکره با احتیاط بیشتری دنبال شود.

از سوی دیگر، بحث شکستن محاصره و استمرار فشارها نشان می‌دهد که میدان تقابل همچنان بر روند دیپلماتیک سایه انداخته است. در چنین فضایی، هر تحول میدانی می‌تواند معادلات مذاکرات را تغییر دهد و تلاش‌های میانجی‌ها را تحت‌تاثیر قرار دهد. بنابراین، صرف ادامه گفت‌وگوها را نمی‌توان معادل کاهش تنش دانست؛ آنچه اهمیت دارد، تبدیل این تماس‌ها به تغییر ملموس در وضعیت موجود است، تغییری که بتواند هم مسیر توافق را روشن‌تر کند و هم احتمال بازگشت به درگیری را کاهش دهد.

در چنین شرایطی، مذاکرات نه متوقف شده‌اند و نه به مرحله‌ای رسیده‌اند که بتوان از کاهش پایدار خطر جنگ سخن گفت. دیپلماسی همچنان جریان دارد، اما بدون تضمین، بدون چشم‌انداز روشن از شکستن بن‌بست و در شرایطی که ابزارهای فشار همچنان فعال‌اند. پرسش اصلی اکنون این است که آیا این تماس‌ها می‌توانند به توافقی واقعی منجر شوند، یا صرفا زمان را در فاصله میان دو مرحله از بحران مدیریت می‌کنند؛ فاصله‌ای که هنوز پایان آن مشخص نیست.

اکونومیست وضعیت نه جنگ تمام‌عیار، نه پایان رویارویی را واکاوی کرد

# دورنمای جنگ علیه ایران در ۲۰۲۷



**دنیای اقتصاد:** رویارویی با ایران سابقه‌ای طولانی در تاثیرگذاری بر تحولات سیاسی در نقاط بسیار دوردست دارد. نزدیک به نیم قرن پیش، تسخیر سفارت آمریکا در تهران به شکست جیمی کارتر در برابر رونالد ریگان در انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۱۹۸۰ آمریکا کمک کرد. امروز نیز جمهوری‌خواهان در انتخابات میان‌دوره‌ای آمریکا متحمل شکستی سنگین شدند که بخشی از آن ناشی از واکنش منفی به رویکرد جنگ‌طلبانه دونالد ترامپ در قبال ایران بود. مشکلات سیاسی داخلی رئیس جمهور، یکی از دلایلی است که می‌توان امیدوار بود در سال ۲۰۲۷ درگیری‌ها در خاورمیانه کاهش یابد؛ روی کار آمدن کابینه‌ای جدید در اسرائیل نیز می‌تواند دلیل دیگری باشد. با این حال، نبود یک جنگ تمام‌عیار، به معنای برقراری صلح نخواهد بود.

نشریه اکونومیست با پرداختن به این موضوع نوشت، سال گذشته هم گستره قدرت نظامی آمریکا و اسرائیل را آشکار ساخت و هم — همچون بسیاری از جنگ‌های پیشین آنان — محدودیت‌های آن را نمایان کرد. برتری در میدان نبرد به دستیابی به راه‌حل‌های سیاسی منجر نشده است. در سال ۲۰۲۷، جنگ با ایران همچنان بسیاری از پیش‌فرض‌های دیرینه درباره موازنه قوا و امنیت در منطقه را تضعیف خواهد کرد. در تمامی این محاسبات، ترامپ همچنان به‌عنوان عاملی پیش‌بینی‌ناپذیر باقی خواهد ماند.

فرض کنید رئیس جمهور از شکست در داخل کشورش پشیمان شده و برنامه‌هایش برای حمله هوایی مجدد به ایران را کنار گذاشته است. ایران، امتیاز می‌دهد؛ تنگه هرمز را باز می‌کند و با مذاکره در مورد برنامه هسته‌ای خود موافقت می‌کند. سپس ترامپ به سمت یک توافق عجله می‌کند. این توافق شکننده و پر از حفره است. هیچ کس انتظار ندارد که این توافق دوام بیاورد یا برنامه‌های هسته‌ای ایران را به طور قطعی محدود کند. اما این به رئیس جمهور اجازه می‌دهد تا اعلام پیروزی کند - و این جنگ نیست.

این سناریو کاملا محتمل است. اما به همان اندازه ممکن است رئیس جمهور مسیر کاملا متفاوتی را در پیش بگیرد. در این ماجرای «انتخاب مسیر پیش رو» در سیاست خاورمیانه‌ای‌اش، ترامپ که زخم‌خورده و خشمگین است، به این نتیجه می‌رسد که کسب یک پیروزی نظامی چشم‌گیر، بهترین راه برای نجات اعتبار اوست. او بار دیگر نیروهای مسلح آمریکا را به میدان می‌فرستد تا اهداف نظامی و غیرنظامی را هدف قرار دهند و ایران نیز در واکنش، به پایگاه‌های آمریکا در کشورهای عربی منطقه حمله می‌کند.

چه جنگ از سر گرفته شود و چه نشود، کشورهای حوزه خلیج فارس با نگرانی و دلهره نظاره‌گر خواهند بود. هرگونه شعله‌ور شدن دوباره درگیری، به کام بنیامین نتانیاهو خوش می‌آید؛ کسی که اگرچه دیگر نخست‌وزیر اسرائیل نیست، اما همچنان در کمین نشسته است. او همچنان بر طبل جنگ می‌کوبد تا موضوع امنیت را در کانون بحث‌های سیاسی نگه دارد و بقای سیاسی خود را تضمین کند. کابینه اقلیت جدید نیز از بیرون راندن او از صحنه سیاسی ناتوان است. اما چه جنگ از سر گرفته شود و چه نشود، کشورهای خلیج فارس با نگرانی به آن نگاه خواهند کرد. عقب‌نشینی مداوم آمریکا از نقش خود به عنوان هژمون منطقه‌ای، آنها را در معرض خطر قرار خواهد داد. آنها سعی خواهند کرد ترامپ را از شروع مجدد جنگ با ایران منصرف کنند، اما باید محدودیت‌های نفوذ خود را تشخیص دهند. آنها با جست‌وجوی تضمین‌های امنیتی در جای دیگر (البته نه با گسترش توافق‌های ابراهیم با اسرائیل) پاسخ خواهند داد.

دولت‌ها و کسب‌وکارها در خلیج فارس، با سرمایه‌گذاری در خطوط لوله، مسیرهای تجاری جایگزین و سایر راه‌های دور زدن تنگه هرمز، راه‌حل‌های بیشتر و بهتری برای این تنگه پیدا خواهند کرد. این امر اقتصاد آنها را مقاوم‌تر می‌کند، اما با کاهش فشار فوری برای یافتن یک راه‌حل پایدار، بی‌ثباتی منطقه‌ای را نیز پایدارتر خواهد کرد.

سال آینده شاهد نبردهای کمتری خواهیم بود. این امر مورد استقبال قرار خواهد گرفت. اما آتش‌بس‌های مقطعی، رویارویی‌های مسالحانه و راه‌حل‌های اقتصادی بداهه، صلح پایدار را به ارمغان نخواهد آورد. آنچه زمانی غیرقابل تصور بود یعنی حملات آمریکا و اسرائیل به ایران و در مقابل حملات ایران به منابع و دارایی‌های آمریکا در منطقه آشنا به نظر خواهد رسید. خاورمیانه باید با عدم قطعیت زندگی کند. کسانی که می‌توانند به جنگ پایان معناداری بدهند، این کار را به نفع خود نخواهند دانست. در عوض، یک رویارویی تلخ، همراه با تهدیدها، شعله‌ور شدن آتش جنگ و تلاش‌های نامنظم در دیپلماسی، غالب خواهد شد.

جنگ علیه ایران اقتصادهای خلیج فارس را در وضعیت بازتعریف قرار داده است

# از رویای رشد تا تاب‌آوری استراتژیک

**دنیای اقتصاد:** جنگی که علیه ایران به راه انداخته شد، الگوی اقتصادی خلیج فارس را وادار به تحولی بنیادین کرده است؛ تحولی از تنوع‌بخشی اقتصادی مبتنی بر رشد و ادغام در اقتصاد جهانی به‌سوی تنوع‌بخشی مبتنی بر تاب‌آوری و امنیت راهبردی. کارن یانگ، پژوهشگر ارشد موسسه خاورمیانه مستقر در واشنگتن، باور دارد که بحران کنونی آسیب‌پذیری‌های کاملا متفاوت کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس را، به‌ویژه در زمینه صادرات هیدروکربنی، مسیرهای تجاری و ظرفیت مالی دولت، آشکار کرده است.

بر اساس ارزیابی این تحلیلگر، این وضعیت به‌جای معکوس کردن روند تحول اقتصادی، احتمالا نقش دولت‌ها را در هدایت سرمایه به‌سمت زیرساخت‌های حیاتی، امنیت انرژی و کاهش ریسک تقویت خواهد کرد. بنابراین، صندوق‌های ثروت ملی و شرکت‌های ملی نفت، نه‌تنها به‌عنوان موتورهای رشد، بلکه به‌عنوان ابزارهایی برای تاب‌آوری اقتصادی و راهبردی، اهمیت فزاینده‌ای خواهند یافت. به گفته یانگ، کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس با وجود اشتراکات سیاسی، الگوی اقتصادی واحدی ندارند. هدف مشترک آنها کاهش وابستگی به هیدروکربن‌ها از طریق تنوع‌بخشی اقتصادی بوده، اما میزان ثروت منابع طبیعی و وابستگی مالی به درآمدهای حاصل از این منابع در میان ۶ کشور عضو متفاوت است. این تحلیلگر می‌نویسد که یکی از درس‌های بحران کنونی برای کشورهای خلیج فارس، تکرار چرخه رونق و رکود درآمدهای هیدروکربنی است؛ در دوره افزایش قیمت‌ها، درآمد شرکت‌های انرژی به بودجه، صندوق‌های ثروت ملی و پروژه‌های زیرساختی تزریق می‌شود، اما هنگامی که اقتصاد با انقباض مواجه می‌شود، این چرخه معکوس خواهد شد، اتکای دولت‌ها به بانک‌های داخلی افزایش می‌یابد و اجرای پروژه‌ها کند می‌شود.

وی با بیان اینکه اختلال در صادرات از تنگه هرمز، تجارت و کشتیرانی، گردشگری و حمل‌ونقل، کانال‌های اصلی انتقال شوک جنگ علیه ایران بوده‌اند، اشاره می‌کند که شدت این شوک نیز در کشورهای منطقه یکسان نبوده است. قطر به‌دلیل نداشتن مسیر جایگزین برای صادرات گاز طبیعی مایع‌شده، شدیدترین آسیب را در بخش هیدروکربنی تجربه کرده است؛ درآمد صادرات گاز این کشور در سه‌ماهه دوم سال از میانگین فصلی ۱۱ میلیارد دلار به ۲۴۰ میلیون دلار کاهش یافت. جی‌پی مورگان برای سال ۲۰۲۶ انقباض ۱۶.۲ درصدی اقتصاد قطر و کسری بودجه‌ای معادل ۱۰.۴ درصد تولید ناخالص داخلی را پیش‌بینی می‌کند. کویت نیز به‌دلیل نداشتن مسیر صادراتی زمینی به تنگه هرمز وابسته است و تولید نفت آن در ژوئیه ۲۸.۳ درصد پایین‌تر از فوریه بود. در بحرین، تولید نفت طی همین بازه حدود ۶۰ درصد کاهش یافت و کسری بودجه این کشور می‌تواند به ۱۷.۶ درصد تولید ناخالص داخلی برسد. در عربستان سعودی، شوک عمدتا بر بخش نفت متمرکز بوده است. در امارات، خط لوله فجیره و افزایش تولید به صادرات نفت کمک کرده‌اند و تولید در ژوئیه ۱۰.۵ درصد بالاتر از فوریه بود؛ با این حال، وابستگی این کشور به تجارت، کشتیرانی و گردشگری همچنان آسیب‌پذیری‌هایی را ایجاد می‌کند. عمان به‌دلیل صادرات خارج از تنگه هرمز، در منطقه استثنا بوده و تولیدش از فوریه ۱۴.۸ درصد افزایش یافته است.

از نگاه یانگ، راهبرد آینده کشورهای خلیج فارس علاوه بر تاب‌آوری اقتصادی، تقویت توان دفاعی و مقاوم‌سازی زیرساخت‌های انرژی و نظامی را در برمی‌گیرد. تداوم اختلال‌ها خطرات سرمایه‌گذاری، هزینه‌های عمومی و تنوع‌بخشی را افزایش می‌دهد. در چنین شرایطی، دولت‌ها احتمالا کنترل بیشتری بر زیرساخت‌های حیاتی و تولید انرژی اعمال می‌کنند، از خصوصی‌سازی دارایی‌های دولتی فاصله می‌گیرند و ریسک سرمایه‌گذاری را در مناطق و دارایی‌های متنوع توزیع می‌کنند. این پژوهشگر شش حوزه را در کانون سرمایه‌گذاری آینده قرار می‌دهد: گاز طبیعی، ذخیره‌سازی خارجی نفت و فرآورده‌های پالایش‌شده، خطوط لوله، لجستیک و حمل‌ونقل، هوش مصنوعی و برق و استقرار واحدهای تولیدی در منطقه. در این الگو، صندوق‌های ثروت ملی، شرکت‌های ملی نفت و نهادهای سرمایه‌گذاری دولتی بیش از گذشته ابزار اجرای همزمان سیاست اقتصادی و امنیتی خواهند بود.

یانگ معتقد است که الگوی اقتصادی خلیج فارس که از دل این بحران در حال ظهور است، به معنای عقب‌نشینی از تنوع‌بخشی اقتصادی، جهانی‌شدن یا استفاده از سرمایه خارجی نیست؛ بلکه بازتنظیم این رویکردها حول محور تاب‌آوری و امنیت راهبردی است. در الگوی جدید، رشد اقتصادی دیگر به هر قیمتی دنبال نخواهد شد؛ بلکه حفظ پویایی اقتصادی در کنار کاهش آسیب‌پذیری در برابر بحران‌های ژئوپلیتیک، تقویت زیرساخت‌های جایگزین و حفاظت از استقلال راهبردی، به معیارهای اصلی راهبرد اقتصادی کشورهای منطقه تبدیل خواهد شد.

**مناقصه عمومی تامین انواع مواد اولیه افزودنی و روغن پایه های گروه II و III**
نوبت اول
نفت پارس
شرکت نفت پارس در نظر دارد انواع مواد اولیه افزودنی و روغن پایه های گروه II و III مورد نیاز جهت تولید محصولات خود را، از شرکت‌هاي واجد شرایط بصورت داخلی (ریالی) و تحویل درب پالایشگاه این شرکت خریداری نماید. لذا از کلیه متقاضیان محترم دعوت مي‌شود از تاریخ درج این آگهي تا پایان وقت اداری (ساعت ۱۶:۰۰) روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۹/۱۵ نسبت به دریافت، تکمیل اسناد مناقصه و تحویل پاکت‌های مربوطه به دبیرخانه این شرکت به نشانی کیلومتر ۲۲ جاده مخصوص تهران-کرج، پالایشگاه نفت پارس اقدام نمایند.
● دریافت اسناد مناقصه از طریق وب سایت شرکت نفت پارس
به آدرس : http://www.parsoilco.ir/fa/tender.html امکان پذیر می‌باشد.
● واگذاری مشروط بر حصول شرایط قانوني، برمبناي اسناد انجام خواهد شد.
● به پیشنهادهاي فاقد: امضاء/ مهر، مشروط، مبهم، فاقد تضمین/سپرده شرکت در مناقصه و پیشنهادهایي که بعد از مدت مقرر در اسناد مناقصه واصل شود ترتیب اثر داده نخواهد شد.
● این آگهی جهت دعوت به مناقصه می باشد و شرکت نفت پارس در رد یا قبول یک یا کلیه پیشنهادها مختار است.

**آگهی مناقصه عمومی (یک مرحله‌ای)**
**« تکمیل و اجرای عملیات باقیمانده سیستم‌های اعلام حریق و اطفای حریق گازی پروژه بازار بزرگ ایران»**
IMDC
- محل اجرای کار: شهر تهران، بازار بزرگ ایران (ایران‌مال)
- مهلت دریافت اسناد: روز یکشنبه ۱۴۰۵/۰۹/۰۱ تا پایان وقت اداری روز شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۹/۱۴
- مهلت تسلیم پیشنهاد: تا ساعت ۱۶:۰۰ روز سه‌شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۹/۱۷
- مدت قرارداد: ۱۲ ماه شمسی
- قیمت اسناد و نحوه واریز وجه: واریز مبلغ ۵۰،۰۰۰،۰۰۰ ریال - به‌حساب شماره ۰۱۱۹۹۲۸۳۸۹۰۶۶ و یا شماره شبا IR470170000000011199283890 06 نزد بانک بانک ملی شعبه خالد اسلامبولی قابل واریز در کلیه شعب به نام توسعه بین الملل ایران مال. لازم به ذکر است هزینه انتشار آگهی به عهده برنده مناقصه می‌باشد.
- مدارک مورد نیاز جهت دریافت اسناد: معرفی‌نامه کتبی و فیش واریز وجه جهت خرید اسناد
- میزان سپرده شرکت در فرآیند ارجاع کار: ضمانت‌نامه بانکی با اعتبار ۳ ماه و قابل تمدید یا فیش واریزی در وجه شرکت به مبلغ ۳۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال (سی میلیارد ریال) به‌حساب شماره ۰۱۱۹۹۲۸۳۸۹۰۶۶ یا شماره شبا IR470170000000011199283890 06 نزد بانک ملی شعبه خالد اسلامبولی به‌نام شرکت توسعه بین الملل ایران‌مال و یا ارائه چک صیادی یا سفته به مبلغ ۶۰،۰۰۰،۰۰۰،۰۰۰ (شصت میلیارد ریال).
مشخصات شرکت توسعه بین الملل ایران‌مال (سهامی‌عام) جهت صدور ضمانت‌نامه عبارت است از: شناسه‌ملی ۱۰۱۰۲۸۰۱۹۹۵ - کد اقتصادی ۴۱۱۱۱۴۶۱۹۳۶ - کدپستی ۱۴۹۶۹۹۲۶۱۴
- محل دریافت اسناد: تهران، انتهای اتوبان شهید خرازی، پروژه بازار بزرگ ایران، کیان پنل، دبیرخانه - تلفن ۴۶۰۲۵۰۰۴
- محل تسلیم پاکات مناقصه: تهران، انتهای اتوبان شهید خرازی، بازار بزرگ ایران، کیان پنل، دبیرخانه - تلفن ۴۶۰۲۵۰۰۴
شرکت توسعه بین الملل ایران‌مال (سهامی‌عام)